

ویژگی یک نماینده

روز مجلس هم البته باعث شد بسیاری به مسائل مربوط به دوره نمایندگی و خصیصه های یک مجلس خوب بپردازند. روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: اگر بخواهیم سخن امام خمینی درباره مدرس را به صورت بسیار خلاصه عرضه کنیم، باید بگوئیم «علت موفقیت مدرس این بود که او به هیچکس و هیچ چیز وابسته نبود».

آیت الله سیدحسن مدرس چون تا آخر عمر، وارسته و مستقل باقی ماند توانست منشأ آئمه خدمت برای کشور و مردم باشد و تا زمانی که رضاخان او را تبعید نکرده بود مانع اجرائی شدن توطئه های او و اربابان استعمارگرش شود.

امروز، واقعی ترین نکته ای که باید گفته و نوشته شود و مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گیرد اینست که نام مدرس بر تارک مجلس قرار دارد ولی متأسفانه راه مدرس توسط نمایندگان پیموده نمی شود. مردم ایران به شعار و مشغول بودن به منازعات و مشاجرات شخصی و جناحی و به کسانی که حقوق های نجومی بگیرند و از مزایای ویژه برخوردار باشند نیازی ندارند.

مردم در جستجوی افرادی هستند که ویژگی های ساده زیستی، شجاعت، استعمارستیزی، خوی ضداستبدادی، بینش قوی، صراحت، مناعت طبع و استقلال فکری مدرس را داشته باشند تا بتوانند مجلس شورای اسلامی را به جایگاهی که در خور شأن ملت بزرگ ایران باشد برسانند. افسوس که اکنون از چنین مجلسی محروم هستیم.

آمریکا متخصصان دنیا را جذب می کند و ما به خاطر فلان قانون، از متخصصان انتقام می گیریم

البته خیلی ها هم در مورد مجلس، سوزن گرامافونشان روی ظریف مانده است. روزنامه اطلاعات نوشت: معیارهای دوگانه در به کارگیری و یا بیکارکردن نیروها، واقعاً جای اعجاب و تأسف دارد و مصداق از سوراخ سوزن رد شدن و از دروازه عبور نکردن رابه وضوح می توان دید.

گویی آن جا که خود، خر مراد را سواریم، از بعضی قوانین می توان با سکوت و توجیه به مدد مرور زمان عبور کرد؛ تا جایی که فی المثل شهر را به یک تحصیل کرده پزشکی بسپاریم و «سوئیس وارا» یا سعه صدر از کنار موانع قانونی عبور کنیم؛ اما آن جا که باید به هر قیمتی انتقامی را از فلان و بهمان بگیریم، به هزار قاعده و قانون نوشته و نانوشته تمسک جویم؛ انصافاً این بام، نه دو هوا، بلکه چند هوایی است! چقدر مایه افسوس و تحیر است که در آمریکا، هزاران ایرانی یا ایرانی الاصل در مسندهای هزارویک رنگ، در خدمت یک شبه قاره پنجاه کشوری هستند و این سو ما، در تلاش و جدال برای فروکشیدن کسانی قابل و لایق، اما به مستمسک شبه قانون ها یا قانون سازی های چندفریبتی! الحق جای آن است که خون موج زند در دل لعل.....

دیگران با تصاحب سرمایه های انسانی ما، برای خود هویت می آفرینند و ما سرمایه های اصل و خودی را به پای کینه روزی های جناحی به مسلخ می بریم و به مذبح می کشیم؛ چه عالی! حالا بفرمایید: در حال قربانی منافع «پایدار» به پای کدام سماجت و پایداری هستید؟! وانگهی! به طرائف الحیل و طرائف الحکم، اگر چنین کردید و پیش بردید، کدامین طرفه ها را به ارمغان و تحفه بر سفره مصالح مردم می نشانید؟!

قالیباف برای اینکه متهم به طرفداری از دولت و ظریف نشود، نباید خود را در دام تندروهای مجلس بیندازد

نگاه دیگری اما به این موضوع وجود دارد. روزنامه فرهیختگان نوشت: قالیباف در مواجهه با مجلس کار دشواری در پیش دارد. فاصله گذاری با دولت در عین همراهی تنها اقدامی نیست که او باید انجام دهد. رئیس مجلس با گروهی رادیکال در مجلس مواجه است که در تقابل با دولت و در ادامه تسویه حساب های سیاسی خود با دولت چهاردهم به دنبال تند کردن فضای سیاسی اند و از هر بهانه ای برای تاخت به دولت استفاده می کنند و اگر مجلس همراهی با دولت حرکت کند آن را به زدوبند سیاسی و حمایت بی چون و چراز دولت متهم می کنند.

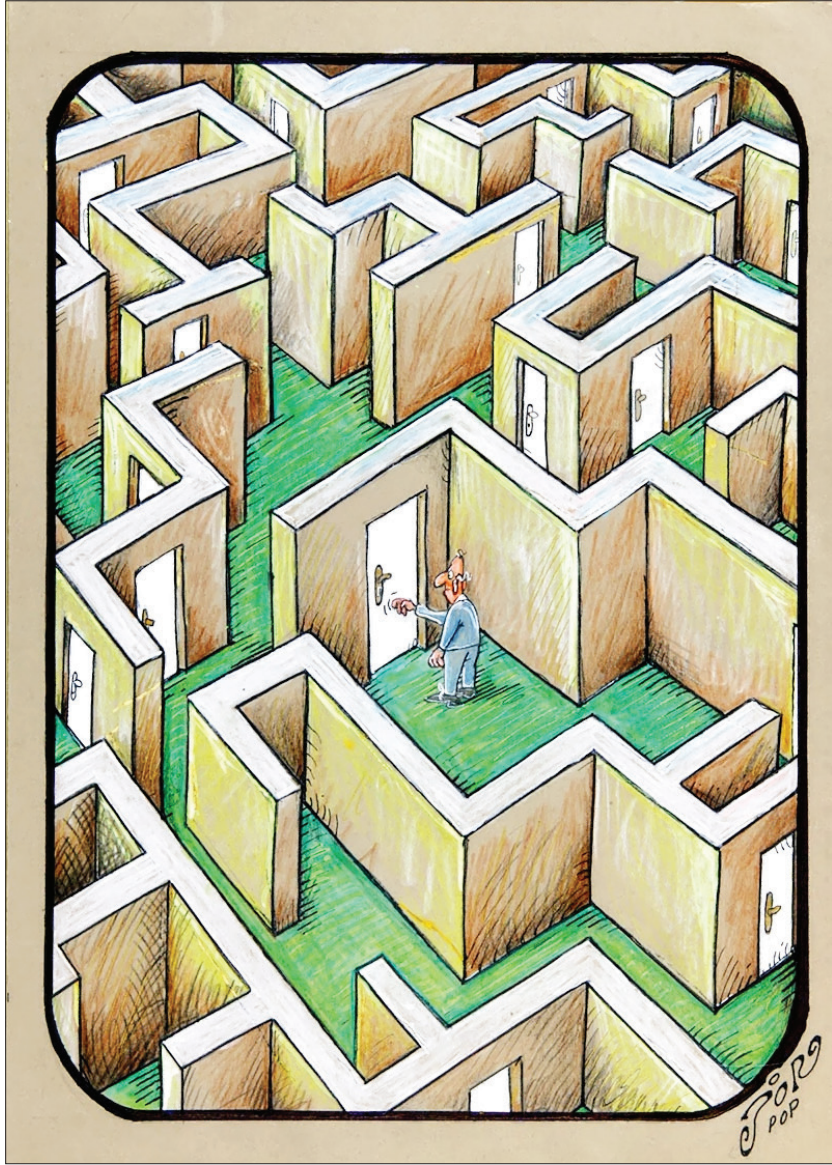
قالیباف در مواجهه با این گروه نیز می بایست مرزگذاری داشته باشد و از افتادن بهارستان در دام رادیکالیسم و تقابل با دولت نیز جلوگیری کند، آن هم در عین اینکه در مسیر میانه روی با دولت حرکت می کند.

اظهار نظر صریح قالیباف در این مورد که انتصاب ظریف برخلاف قانون است آن هم در شرایطی که از زمان تشکیل دولت، مجلس بیشترین همراهی را با دولت داشته، به رئیس مجلس کمک کرد تا بتواند فاصله گذاری با دولت داشته باشد. قالیباف با این موضع گیری نشان داد مجلس قصد ندارد وکیل الدوله باشد و در مواردی که اقدامی برخلاف قانون باشد، حتی اگر خواست دولت باشد آن را صراحتاً اعلام می کند، این موضع گیری به او کمک کرد تا نشان دهد ضمن اینکه در راستای وفاق به دنبال کمک به دولت است اما لزوماً شریک سیاسی پزشکیمان نیست، در عین اینکه نباید در دام تندروهای مجلس که هنوز رقابت های انتخاباتی را ادامه می دهند، بیفتد.

آدرس اشتباه ندهید! دولت روحانی همان دولت خاتمی بود

اما پینگ پنگ های سیاسی فقط به این موضوعات ختم نمی شود. بلکه فضای سیاسی متأثر از نقدها و تحلیل هایی است که بازتولید می شوند. روزنامه کیهان در ستون خبر ویژه خود نوشت: صادق خرازی در کنگره حزب ندای ایرانیان که اکنون برخی سران آن در سمت های مختلف دولتی حضور دارند، گفت: دولت بعد از آقای احمدی نژاد نیز دولت ناموفق بود و همیشه نیز گفتم که یکی از اختلافات اساسی من با دوستان مان در اصلاحات این بود که دولت آقای روحانی، نه دولت اصلاحات بود و نه خودش می دانست دولت کیست، بلکه دولت یک نفر آن هم رئیس جمهوری بود؛ در حالی که در همان مقطع نیز می توانست با اتحاد داخلی و ملی کشور را به سمت دیگری برود.

اظهارات آقای خرازی در متفاوت انگاشتن روحانی و خاتمی و دولت های آنها، در حالی است که اصلاح طلبانی مانند رضا خاتمی برادر محمد خاتمی ادعا کرده بودند ما اصلاح طلبان تضمین وعده های روحانی هستیم.



یادداشت های شهر شلوغ

اسرار مگوی راکتور اراک

شهروند | تغییر و تحولات در دنیای امروز به

قدری شتاب دارد، که در پیگیری برخی اطلاعات و اخبار حوادث نمی شود متناسب با سرعت حادثه خود را وفق داد. اینجاست که روزنامه نگاری شغلی سخت محسوب می شود. حالا شما تصور بفرمایید که تحلیل این رویدادها را هم همزمان بخواهی ارائه بدهی. از جمله مواردی که روز گذشته در راس اخبار و گزارش ها بود می توان به جریان احیای تورویست های تکفیری در سوریه و همچنین ماجرای آتش بس در لبنان اشاره داشت. موضوعی که جامعه خبری را تحت الشعاع خود قرار داد.

هدف اصلی ایران است، باز هم می خواهید مذاکره کنید؟

در همین رابطه موضوع گروه های تکفیری مورد توجه کیهان قرار گرفت. در بخشی از سرمقاله دیروز کیهان آمده: محورهای مقاومت، بازوهای ایران و متحدین ما و دوستان ما هستند. حمله به آنها، حمله به توانایی های ماست. طی همین یکی دور روز گذشته، در جنگ سوریه و حلب، شماری ایرانی به شهادت رسیده اند. بنابراین، هدف غایی و اصلی این جنگ، جدی و «فتنه حلب» «ایران» است. دنبال آن هستند که احتمالاً از این شرایط، در مذاکراتی که با ایران شروع کرده اند، بهره ببرند و امتیاز بگیرند.

وقتی دوستان مادر ایران، داشتند مقدمات مذاکره با غرب را می چیدند تا با آنها از سردوستی و آشتی وارد شوند، آنها مشغول طراحی پلن B یعنی «احیای تورویست های تکفیری در سوریه» بودند.

وقتی حریف در حال جنگ است و وسط «مذاکره مذاکره» کردن های دوستان در حال طراحی پلن B، اوج رویه صفتی دشمن را نشان می دهد. در چنین فضایی، صحبت از مذاکره، جز شکستن وحدت، هیچ دستاوردی برلمان نخواهد داشت. اولین گام در مواجهه با حریف - حتی اگر برای مذاکره باشد - شناختن آن است. با چنین دشمن قسم خورده خبیثی، آیا مذاکره کردن عین سادگی نیست؟!

حزب الله در سازماندهی رزمی اش خود را بازسازی کرد و امکان پیروزی به ارتش اسرائیل نداد

اما بشنویید تحیل اندیشمندان دور از وطن را در خصوص آتش بس لبنان. عطاءالله مهاجرانی در روزنامه اعتماد نوشت: اسرائیل به هیچ یک از اهدافش نرسید. نه حزب الله نابود شد، نه ارتش اسرائیل توانست جنوب لبنان را تا نهر لیطانی اشغال کند و نیز نتوانست با اعمال فشار بر دولت لبنان و احزابی که زمینه نفوذ پذیری از سوی آمریکا، فرانسه و کشورهای عربی هم پیمان آمریکا و اسرائیل را داشته و دارند دولت لبنان را تسلیم کند. در این صورت ارتش کلاسیک اسرائیل با حمایت بی سابقه جهانی نتوانست به هیچ یک از اهدافش برسد. البته نتانیاهو می گوید حزب الله با سابق فرق کرده است! مگر اسرائیل از هفتم اکتبر سال پیش تا به امروز فرق نکرده است؟! ارتش اسرائیل شکست خورده است! این شکست توسط شخصیت های صهیونیست با گرایش های مختلف در پارلمان اسرائیل با صراحت بیشتری مطرح شده است. یایر لپید، نخست وزیر سابق اسرائیل از آتش بس لبنان به عنوان «بزرگ ترین فاجعه عصر نتانیاهو» سخن گفته است. لیبرمان به نتانیاهو متلک گفته که: «مگر نگفتی تا پیروزی مطلق، جنگ را ادامه می دهی؟ اما نگفتی کدام طرف به پیروزی مطلق می رسد! نمونه هابسیار است که نشان می دهد نتانیاهو روزگاری خوش و احوال پیروزی ندارد. قیافه اش هم به پیروزی نمی زند. در جهان واقع با سر به دیوار پولادین مقاومت در جنوب لبنان خورده است.

اما حزب الله در حقیقت در موقعیت دفاع و مقاومت بود. مقاومت هسته های پارتیزانی در برابر ارتش کلاسیک، به تعبیر فرمانده لشکر هفتم ارتش اسرائیل مجاهدان حزب الله مانند اشباح بودند. ارتش اسرائیل نمی دانست این اشباح کی و کجا پدیدار می شوند و کی و در کجا ناپدید می شوند. در واقع مقاومت نبرد متحرک ناآشنایی را سازمان داده بود. حملات موشکی حزب الله هم در روز و شب یکشنبه ۴ آذرماه به اوج خود رسید. تل آویو موشک باران شد. گنبد آهنین و فلاخن داوودی فایده و بیهوده بود. می توان گفت حزب الله در سازماندهی رزمی اش خود را بازسازی کرد و امکان پیروزی به ارتش اسرائیل نداد. یعنی حزب الله همان گونه که در جنگ ۳۳ روزه تابستان ۰۶ پیروز شد. در جنگ ۶۶ روزه پاییز ۲۴ نیز به پیروزی رسید. یعنی اسرائیل را در تحقق اهدافش شکست داد.

راز علی اکبر صالحی



اما برگردیم به حال و هوای سیاست داخلی مان. موضوع بتن ریزی راکتور اراک، «حق و حقیقت را شاید بتوان برای مدتی پنهان کرد ولی در نهایت رخ نشان خواهد

داد». این سخن علی اکبر صالحی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران است که پاسخ خود به پرسش روزنامه «ایران» از او پیرامون تکرار گویی ها درباره راکتور آب سنگین اراک را بیان آغاز کرد.

صالحی در توضیحات جدید خود درباره ابتکار عمل پنهانی اما راهگشایش می گوید: «باتحقق برجام مقرر شده بود داخل لوله های کالاندری را راکتور آب سنگین اراک مسدود شود. بنابراین ما بر اساس طراحی جدیدی بایست از چاله راکتور اراک کالاندری قدیمی را که مخزن قرار گرفتن سوخت است، خارج کنیم تا کالاندری جدید را قرار دهیم.»

او در ادامه از تصمیم پنهانش برای تهیه ابزار مشابه برای مخزن سوخت راکتور اراک می گوید و می افزاید: «من آن زمان لوله های مشابه را برای مخزن سوخت راکتور اراک خریداری کردم و این در حالی بود که فقط یک نفر در کشور در قامت بالاترین مقام ارشد نظام درباره این اقدام اطلاع داشت ولی آن زمان این مطلب را اعلام نکردیم چون می دانستیم که طرف مقابل بدعهدی می کند و حضرت آقا هم فرموده بودند مراقب بدعهدی آنها باشید.»

او دلیل انجام این اقدام را چاره اندیشی برای بازگشت زود هنگام به فعالیت های اولیه هسته ای در صورت بدعهدی غرب می داند و می افزاید: «این کار را انجام دادیم که اگر قرار شد زمانی برگردیم، کار سریع انجام شود. ما لوله های مخزن سوخت راکتور را که با چنین ملاحظاتی بیرون آورده بودیم با بتنی پر کردیم ولی مشابه آن لوله ها را الان داریم و به راحتی قابل جایگزین است. صالحی سخنانش را ضمن این توصیه که «واقعیت ها را بگویند» اینک به گویند بتن ریخته اند» با این پرسش قابل تأمل به پایان رساند: «چرا حق را لباس باطل می پوشانید در صورتی که حقیقت را می دانید؟»

مساله حجاب بیش از آنکه نیاز به قانون داشته باشد احتیاج به قانع کردن دارد



اما شاید جدی ترین موضوع اجتماعی این روزها اجرایی شدن قانون حجاب است که برخی بر این باورند بایستی توأم با کار فرهنگی باشد. از جمله این افراد علی لاریجانی است که در خصوص قانون حجاب در کشور گفت: اصل رعایت حجاب که یک وظیفه دینی است، باید قبول کنیم که حجاب نفعی برای جامعه دارد، به خانم ها وزانت می دهد و شرایط جامعه را از نظریه روابط معقول می کند. اما باید در این خصوص جامعه را قانع کرد.

لاریجانی گفت: این سینا حرفی در مورد حکومت دارد، من قائلم که وی جزو بهترین فیلسوفانی است که ذهن جوانی داشت. در حوزه سیاست هم نظریه دارد. یکی از نکاتی که می گوید این است. می گوید که وقتی شما قانونی می گذارید، اولاً قانونگذاران تان باید کسانی باشند که سنت ها و فرهنگ جامعه را خوب بشناسند. چون قانونی که از سنت ها نشات گرفته نشود به هیچ دردی نمی خورد، یعنی نفاذ در جامعه پیدا نمی کند.

وی افزود: قانونی که بستر جامعه بپذیرد باید تصویب شود. این یک نکته ای است. لذا ایشان می گوید که خطا باید بیایند که سنت ها را بشناسند. نکته دوم این است که شما وقتی قانون می نویسید باید قدرت قانع کردن مردم جامعه را داشته باشید. یعنی اگر شما قانونی نوشتید که نتوانستید جامعه را قانع کنید، فقط روی کاغذ قانون است. خوب الان در جامعه ما بعضی افراد قانع نشدند. باید تلاش کنیم که قانع شوند. یعنی یک مساله شرعی وجود دارد که به نفع کشور هم است، اما یک کمی زحمت هم دارد که جامعه را قانع کنید. شما بدون زحمت می خواهید قانون را اجرا کنید؟ این غلط است. مثل این است که همه مسائل خود با دولت های دیگر را از طریق میدان بخواهید حل کنید و دیپلماسی را قبول نکنید. هر دوی اینها لازم است.

مشاور رهبر انقلاب تصریح کرد: اینچاهم اینطور است. باید جامعه را قانع کنید. قانع کردن زحمت دارد، حرف زدن دارد، فکر کردن دارد، توجیه عقلانی می خواهد. همراهش باید ضوابطی گذاشت که مردم آرام آن را بپذیرند. لذا من فکر می کنم مساله حجاب بیش از آنکه نیاز به قانون داشته باشد احتیاج به قانع کردن داریم، یعنی از رسانه های باید استفاده کرد و به مردم توضیح داد. یعنی راه حل فرهنگی دارد.